



بایسته‌ها و چالش‌های به کارگیری سلاح توسط اعضای نیروهای مسلح با تأکید بر مأموریت‌های پلیس



عمار پرتوی، کارشناس ارشد حقوق عمومی

سید یوسف الماسی حسینی، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

از جمله چالش‌های تأمین امنیت در حوزه حقوق شهروندی، به کارگیری سلاح برای کشف جرم و تعقیب متهم است. هرچند قانون‌گذار برای پیشگیری از خسارت‌های ناشی از به کارگیری سلاح و محدود نمودن اختیارات مأمورین مقرراتی وضع کرده است؛ ولی با این وصف یکی از مهمترین جرایمی که اهداف نیروهای مسلح و حقوق شهروندی افراد جامعه را تهدید می‌کند، تیراندازی غیرقانونی مأمورین می‌باشد. مأموریت پلیس، در دریا حراست از آن در مقابل قاچاق کالا و یا ورود غیرمجاز است و گاهی مأموریت آن برخورد با شورش و خرابکاری در مناطق شلوغ و پر رفت آمد شهری است؛ بعضاً مأمور پلیس در مواجهه با برخی جرایم نسبت به تشخیص مصداق قانونی به کارگیری سلاح دچار اشتباه می‌شود و یا متناسب نبودن ضوابط به کارگیری سلاح با نوع جرایمی که در بستر جامعه حادث می‌گردد و دیگر عواملی که به آن پرداخته شده، او را در انجام مأموریت با چالش مواجه می‌کند. اختیار نیروهای مسلح در به کارگیری سلاح در مأموریت‌های محوله که نشئت گرفته از قانون به کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۲۸ می‌باشد، در واقع به مثابه تیغ دو لبه‌ای است که در صورت محدود نمودن این اختیار، اقتدار نیروهای مسلح و در نتیجه امنیت و آسایش عمومی کشور زیر سؤال می‌رود و از طرفی در صورت بسط و گسترش این اختیار قانونی حقوق شهروندی که حق مسلم هر جامعه‌ای باشد، در معرض نقض قرار می‌گیرد. واژگان کلیدی: نیروهای مسلح، به کارگیری سلاح، پلیس، مأموران



درآمد

یکی از تدابیر نیروهای انتظامی در مقابله با تهدیدها، ناامنی و برقراری نظم و امنیت در جامعه، استفاده به هنگام و مؤثر از سلاح است. قانون به کارگیری سلاح جهت صیانت از جان شهروندان و همچنین نظام‌مند نمودن رفتار مأموران در استفاده از سلاح، در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. شتاب‌زدگی مقنن در تصویب قانون مذکور با وجود خلأهای قانونی و عدم تعیین تکلیف پاره‌ای از موارد مجاز استفاده از سلاح زمینه‌ساز تعرض به حقوق شهروندان و سردرگمی مأموران در مأموریت‌های مهم محول شده است (اوجاقلو شهبانی، نادری عوج بغزی، طباطبائی فر، ۱۴۰۱: ۵۵۳).

امنیت و آرامش، مانند هوا برای آدمی از ارزش بالایی برخوردار است که هیچ عنصر دیگری را نمی‌توان جایگزین آن کرد و نبودن آن و حتی غبارآلود شدن آن می‌تواند خفقان را برای ما به دنبال داشته باشد، هوایی که هر لحظه از نعمت آن برخوردار هستیم و تنها زمانی که برای چند دقیقه از آن محروم شویم به ارزش واقعی و حقیقی آن پی می‌بریم و به طور حتم و یقین امنیت و آرامش هم موضوعی حیاتی است که تنها در صورت نبودن آن به ارزش واقعی آن پی می‌بریم. وجود جرایم و جنایات همواره در روابط اجتماعی انسان‌ها اختلاف‌برانگیز و باعث خونریزی‌ها و قتل و غارت‌های چشمگیری بوده است. به همین علت، امنیت به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم برای بقا و دوام جوامع مورد توجه حکومت‌ها بوده است. با پیشرفت جوامع، نیروهای مسلح برای تأمین امنیت پیش‌بینی شده است. یکی از ابزارهای تأمین، برقراری و حفظ امنیت و نظم عمومی در جامعه، استفاده از سلاح توسط نیروهای مسلح است. قانون‌گذاری در این

بخش مهم و حساس بوده و مشکلاتی به همراه دارد. یکی از مشکلات یا معضلاتی که مأموران پلیس با آن دست به گریبان هستند مشکلات ناشی از به کارگیری سلاح کشنده در مأموریت‌های پلیسی است، به نحوی که سالانه تعداد زیادی از افسران و درجه‌داران پلیس برای ارتکاب قتل یا صدمات جسمانی ناشی از به کارگیری سلاح در دادگاه‌ها مورد محاکمه قرار می‌گیرند (مودتی، صفری، بیرانوند، ۱۳۹۶: ۱۷۱). در برخی موارد مشاهده می‌شود که قانون‌گذاران دچار نوعی تعارض در سیاست جنایی تقنینی نسبت به یک موضوع خاص شده‌اند، به طوری که اگر جانب نظم عمومی را بگیرند ممکن است به حقوق افراد جامعه خدشه وارد شود. به همین منظور قانون‌گذار باید سعی کند همیشه بین حقوق افراد و جامعه تعادل برقرار نماید. مقررات حقوقی حاکم بر تیراندازی‌های پلیسی از این حیث در قالب سیاست جنایی مطرح می‌گردد که در این حوزه تلاش می‌شود آمار تیراندازی‌های غیرمجاز کاهش یابد و با عنایت به اینکه پلیس در نظام عدالت کیفری ضابط قضایی محسوب می‌شود، انتظار می‌رود که مأموریت‌های پلیسی به گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که آمار تلفات جانی آنها به حداقل کاهش یابد؛ چراکه در غیر این صورت احتمال مرگ متهم یا شهروند بی‌گناه در نتیجه تیراندازی بالاست و این با نقش ضابط بودن پلیس که مستلزم دستگیری متهم و تحویل وی به مرجع قضایی است، انطباق ندارد (افراسیابی، ۱۳۹۴: ۲۰۱).

۱- کلیات

در تعریف اصطلاحی، سلاح^(۱) به ابزاری اطلاق می‌شود که برای نبرد با دشمن ساخته می‌شود؛ خواه برای حفظ بدن در برابر یورش دشمن یا برای تهاجم و ضربه زدن به دشمن. سلاح ممکن است کشنده

۲- قاعده فقهی و شرعی تحذیر

اقتضای قاعده فقهی تحذیر این است که مأمور قبل از تیراندازی اتمام حجت نماید و به طرف مقابل تفهیم کند که در صورت عدم توجه به دستور او، مبادرت به تیراندازی خواهد کرد. این شرط علاوه بر اینکه منطبق با قاعده تحذیر است، از تبصره ۳ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح نیز استنباط می‌گردد.^(۳) قاعده تحذیر در مورد تیراندازی به طرف وسایل نقلیه^(۴) نیز در تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ به شکل خاصی پیش‌بینی شده است.

۳- پیشینه تقنینی

اگر بخواهیم نگاهی گذرا به تصویب قوانین تا قبل از قانون به کارگیری سلاح ۱۳۷۳ داشته باشیم باید به موارد قانونی ضمیمه شده به ماده ۲۶۶ قانون تشکیلات ایالات و ولایات در باب استعمال اسلحه توسط مأموران ضبطیه و نظمیه و قراسواران مصوب ذی‌القعدة ۱۳۲۵ ه.ق، قانون راجع به تشدید مجازات سارقان مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص می‌شوند



مصوب ۱۳۳۳/۳/۲۵ ه.ش، آیین‌نامه پادگانی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۰ فرماندهی کل قوا، آیین‌نامه پاسداری نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۰ فرماندهی کل قوا و ماده ۳۸ آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۱۷ ه.ش (مربوط به انتقال زندانیان) اشاره نمود. همچنین قابل ذکر است بازنگری و اصلاح قانون به کارگیری سلاح در موارد ضروری توسط مأموران نیروهای مسلح از سال ۱۳۸۷ در دستور کار دبیرخانه شورای امنیت قرار گرفته است.

۴- امر آمر قانونی و حکم قانون

مأمور پلیسی که برای اجرای قانون و دستگیر کردن مرتکب یک جرم مشهود^(۵) مجبور به اعمال خشونت علیه وی می‌شود، یا مجری حکم قصاص یا اعدام که در اجرای دستور قضایی به کشتن شخص محکوم به قصاص یا اعدام دست می‌زند، نمی‌توان به ارتکاب ضرب و جرح یا قتل محکوم کرد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۶: ۳۸۲). بررسی هر دستوری که از سوی آمر قانونی صادر می‌شود نمی‌تواند ضروری باشد؛ زیرا چنین انتظاری موجب تشدد و اختلال در امور اداری نظامی و انتظامی می‌شود. اطاعت محض از هر دستور مقام مافوق نیز از مأمور زبردست، مورد انتظار نیست و رافع مسئولیت وی نمی‌باشد.^(۶) با نگاهی به قانون اقدامات تأمینی، مسئولیت کیفری در این قانون به مفهوم مجرد و انتزاعی خود اهلیت تحمل کیفر به کار رفته است (مصطفائی، اشرفی، ۱۳۹۴: ۸۶). مسئولیت مدنی در حقوق ما وسیله فنی برای تضمین مسئولیت اخلاقی است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۸۲). در مورد اشخاص حقوقی نیز باید گفت امروزه غالب حقوقدانان فرضیه عدم مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی را نمی‌پذیرند و معتقدند که واقعیت قضایی و واقعیت جرم‌شناسی این اشخاص را باید

مدنظر قرار داد (خانلری المشری، ۱۳۹۱: ۵۵). در این مورد تئوری اصیل واقعی^(۷) برای توجیه انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی درباره جرایمی که نیاز به اثبات قصد مجرمانه دارند مورد توجه و استفاده واقع شده است. بر اساس این تئوری، در صورتی که نماینده شخص حقوقی در حیطه وظایف و اختیارات خود که از سوی آن شخص به او تفویض شده است، عمل کرده و منافع آن را در اعمال خود مراعات کرده باشد می‌توان قصد مجرمانه او را در جرایم ارتكابی به شخص حقوقی نسبت داد (مؤمنی، فلاح اسبوکلابی، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

۴-۱ اصل اطاعت مطلق (المأمور معذور)

این اصل مبتنی بر اطاعت مطلق و بی‌چون و چرا از اوامر مقام بالاتر است، اجرای یک دستور حتی غیرقانونی، در هر نوع شرایطی عامل موجهه برای مأمور تلقی می‌شود؛ بنابراین مأمور حق سبک و سنگین کردن اوامر را ندارد، یعنی در صورت تعارض امر آمر با حکم قانون و حقوق بین‌الملل اجرای امر آمر ترجیح دارد و تمام مسئولیت ناشی از ارتکاب جرم متوجه شخص آمر^(۸) است. این اصل برگرفته از فلسفه categorical imperative امانوئل کانت بود، مطابق با فلسفه حقوقی کانت، قدرت مافوق (رهبر) مبنای مشروعیت دستوراتی است که پیروی می‌شود و کسی که از دستورات او پیروی می‌کند مسئولیت ندارد (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۸۶: ۱۵۲). مقررات نظامی ۱۹۷۵ فرانسه مقرر نمود: «اگر دستور صادره مبنی بر انجام عملی باشد که غیرقانونی بودن آن واضح و آشکار باشد یا بر خلاف عرف و عادت جنگ یا معاهدات بین‌المللی است، زبردست ملزم به اجرای آن نمی‌باشد، ولی چنانچه زبردست برای عدم اجرای دستور به دلایلی واهی و

نادرست متوسل گردد، به‌عنوان سرپیچی از دستور تعقیب خواهد شد». در حقوق انگلیس و استرالیا نیز عذر اطاعت از دستور هیچ‌گونه دفاعی محسوب نمی‌شود مگر اینکه با اثبات موضوعی یا اعتقاد صادقانه حق بودن اجرای دستور، عنصر روانی منتفی شود (فرج الهی، ۱۳۷۶: ۳۵). علت افول این اصل را می‌توان در گسترش دموکراسی در کشورهای جهان که مروج نافرمانی مدنی در مقابل حاکمان برای تأمین خواسته‌های مردم است جستجو کرد.

۴-۲ اصل اطاعت قانونی (المأمور مسئول)

در این اصل مأمور حق سبک و سنگین کردن اوامر را دارد و چنانچه غیرقانونی باشد، نباید از آن پیروی نماید و بررسی آن، هم تکلیف و هم حق است. این اصل بر تبعیت رئیس و مرئوسان از قانون، یعنی مبدأ مشروعیت نظام اداری است؛ زیرا اطاعت از قانون برتر از اطاعت از رئیس است؛ بنابراین اگر مرئوس دستور رئیس را برخلاف قانون یافت موظف است که از تبعیت استنکاف کند. البته نباید نادیده گرفت که مسئولیت مأمور اگر بدون توجه به واقعیات اجتماعی پذیرفته شود، سرانجام به پراکندگی و پریشانی اداره امور و کندی جریان کار دستگاه‌های اجرایی منتهی خواهد شد؛ زیرا اولاً، احراز قانونی بودن دستور مافوق در همه موارد آسان نیست و از عهده مادون ساقط است؛ ثانیاً، اصل انضباط را به‌ویژه در سازمان‌هایی مانند ارتش به مخاطره می‌افکند (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۱۸۵).

۴-۳ رویکرد تقنینی ایران نسبت به اصول مذکور

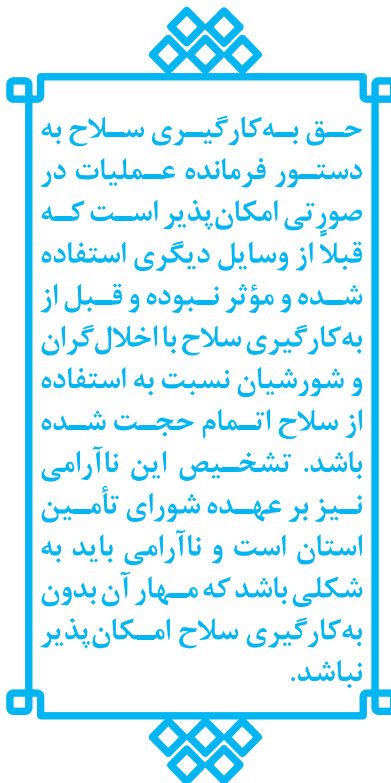
به‌صورت کلی حقوق ایران از اصل اطاعت قانونی^(۹) و نظریه مسئولیت^(۱۰) مأمور تبعیت شده است، علی‌ای‌حال در بعضی موارد از اصل اطاعت مطلق با شرایطی استفاده

شده است که به نظر می‌رسد، بعضی از موارد بجا و صحیح و در بعضی موارد بدون ضرورت و بدون توجه به مبانی چنین اقداماتی صورت گرفته است. به عبارت دیگر مسئولیت یا عدم مسئولیت مأموران پلیس، تابعی از قبول یا رد یکی از اصول حقوقی حاکم بر مسئولیت مأموران پلیس در اجرای امر آمر قانونی است، به نحوی که اگر بگوییم رویکرد قانون ایران مطابق با اصل اطاعت مطلق یا قاعده المأمور معذور است، نتیجه‌اش عدم مسئولیت و معذوریت مأمور است و فقط دستور دهنده مسئول است و اگر بگوییم رویکرد قانون ایران منطبق با اصل اطاعت قانونی یا به عبارتی قاعده المأمور مسئول است، نتیجه‌اش مسئولیت آمر و مأمور است و اگر بگوییم رویکرد قانون ایران منطبق با اصل اطاعت مشروط نظریه بینابین است کسی که در اطاعت از آمر عملی را مرتکب شود، از لحاظ جزایی مسئول نیست مگر اینکه عمل مذکور آشکارا غیر قانونی باشد.

۵- مأموران مسلح موضوع قانون به کارگیری سلاح

مأمورین مسلح موضوع این قانون کسانی هستند که به منظور استقرار نظم امنیت و جلوگیری از فرار متهم و یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضاییه به تفتیش، تحقیق و کشف جرایم و اجرای احکام قضایی و سایر مأموریت‌های محوله مجاز به حمل و به کارگیری سلاح می‌باشند و مکلف هستند تمام ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند (رجبی، ۱۳۸۹: ۱۳). در پاره‌ای از حرفه‌ها، مانند شغل پلیسی، به دلیل اهمیت شغل و ارزش‌های در خطر، مسئولیت، چهره ویژه‌ای به خود می‌گیرد و از حدود قواعد عمومی فراتر می‌رود. به این جهت، امروزه پرونده‌های متعددی در خصوص مسئولیت مدنی ضابطین در محاکم ایران تشکیل شده، ولی برای تعیین مسئولیت مدنی آنها، رویه واحد

و مشخصی حاکم نمی‌باشد (جمادی، مالیر، حیدری، ۱۳۹۷: ۲۸۴).



۱-۵- مأموران مسلح نظامی

منظور از مأموران مسلح نظامی مأمورین با قابلیت نظامی و عضویت در یکی از نیروهای مسلح مشمول قانون استخدامی ارتش، سپاه و نیروی انتظامی است.

۱-۱-۵- ارتش جمهوری اسلامی ایران

به موجب بند «الف» ماده ۷ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ مأموریت‌های نظامی این نیرو، آمادگی و مقابله در برابر هرگونه تجاوز نظامی علیه استقلال، تمامیت ارضی ج.ا.ا و منافع کشور می‌باشد و به موجب بند «ب» قانون مذکور، مأموریت‌های انتظامی این نیرو عبارت است از همکاری با نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران در مقابله با اشرا، یاغیان، قاچاقچیان، تجزیه‌طلبان و جریانات براندازی در مواقع ضروری بنا به دستور. این نیرو در استفاده از سلاح در راستای انجام وظایف و مأموریت‌های

انتظامی تابع مقررات و تشریفات مذکور در قانون به کارگیری سلاح می‌باشد.

۱-۲-۵- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز همانند ارتش دارای مأموریت‌های مسلحانه نظامی و انتظامی می‌باشد؛ این مأموریت‌ها طبق اساسنامه سپاه پاسداران مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵ عبارتند از:

الف- همکاری با نیروی انتظامی در مواقع لزوم در جهت برقراری نظم و امنیت و حاکمیت قانون در کشور (به عنوان ضابط قوه قضاییه)^(۱۱)

ب- همکاری با دیگر نیروهای انتظامی در جهت حفاظت از اماکن و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی به تشخیص شورای تأمین محل.^(۱۲)

۱-۳-۵- فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که اختصاراً «فراجا» نامیده می‌شود، تحت تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور است.^(۱۳) مأموریت‌ها و وظایف متعددی در ماده ۴ قانون ناجا احصا شده است و قانون‌گذار سعی کرده اکثر قریب به اتفاق مأموریت‌ها و وظایف نیروی انتظامی را که توأم با به کارگیری سلاح است در قانون به کارگیری سلاح بگنجانند.

۲-۵- مأموران مسلح غیر نظامی

به موجب تبصره ذیل ماده ۱ قانون به کارگیری سلاح، مأموران مسلح وزارت اطلاعات در اجرای وظایف محوله قانونی، در مورد به کارگیری سلاح مشمول این قانون می‌باشند. همچنین نظریه مشورتی ۱۳۹۳/۶/۴-۷/۳۴/۹۳/۱۵۶۸۹۵ و بخشنامه ریاست محترم قوه قضاییه به شماره ۱۳۷۳/۱/۲۳-۳/۱۳۱/۷۳، مأمورین مسلح وزارت اطلاعات را به عنوان مأمور برقراری نظم و امنیت در مقام ضابط قوه قضاییه دانسته است.



در خصوص تسلیح مجوز سلاح مأموران مسلح یگان‌های حفاظت سازمان‌های دولتی؛ آموزش حفاظتی، تسلیح و تجهیز تخصصی یگان‌ها، بارعایت تبصره «۱» ماده ۸۵ قانون مقررات استخدامی ناجا و با همکاری دستگاه ذی‌ربط، بر عهده ناجا می‌باشد و صدور مجوز حمل سلاح توسط حفا ناجا، پس از استعلام صلاحیت از حراست سازمان مربوط صورت می‌گیرد.^(۱۴)

۶- ضرورت‌های استفاده از سلاح

مأموران پلیس برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید، شرایط طوری باشد که بدون به کارگیری^(۱۵) سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد، در صورتی که مأمورین مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است، برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد، در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه^(۱۶) یا زندان^(۱۷) و یا در حال انتقال فرار نماید و از اقدامات دیگر برای دستگیری یا توقف وی استفاده کرده، ثمری نبخشیده باشد و چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نباشد، صرف‌نظر از نوع اتهام مجاز به استفاده از سلاح می‌باشند،^(۱۸) همچنین برای حفظ اماکن انتظامی، برای حفظ سلامتی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان است، برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده به‌ویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگان‌گیری و اشغال، برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیرمجاز قصد ورود و یا خروج را داشته و به اخطار مأمورین مرزبانی توجه نمی‌نمایند و برای حفظ تأسیسات،

تجهیزات و اماکن نظامی و انتظامی و امنیتی، می‌توانند از سلاح استفاده کنند. از نظر مردم و شهروندان به کارگیری سلاح و تجهیزات غیرکشنده به دلایل چندکاره بودن، کمترین آسیب‌رسانی، کارایی مناسب و از همه مهم‌تر احتمال حداقل خطا در کاهش عواقب ناشی از برخورد‌های پلیسی مؤثر بوده و سبب بالا رفتن مقبولیت پلیس^(۱۹) در جامعه می‌شود (مقیسه، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

۶-۱- ضرورت اتمام حجت پیش از به کارگیری سلاح، حتی در شورش

در تبصره «۱» ماده ۱ قانون به کارگیری سلاح تأکید شده است، در موارد مذکور اخطار قبلی الزامی است و مأمور مجری باید برای یکی از این شرایط مأموریت داشته باشد. علاوه بر این، بر اساس تبصره «۳» همین ماده، مراتب استفاده از سلاح توسط نیروی انتظامی به ترتیب شامل: تیر هوایی،^(۲۰) تیراندازی کمر به پایین و تیراندازی کمر به بالا می‌شود. طبق ماده ۴ قانون مذکور که شاید بتوان آن را مرتبط با وقایع اخیر دانست، مأمورین انتظامی برای اعاده نظم و کنترل راهپیمایی‌های غیرقانونی، فرونشاندن شورش و بلوا و ناآرامی‌هایی که بدون به کارگیری سلاح، مهار آنها امکان‌پذیر نباشد، حق به کارگیری سلاح را به دستور فرمانده عملیات و تحت ضوابط دارند. در بخش دیگری از این قانون، بر قیود به کارگیری سلاح برای کنترل راهپیمایی‌ها یا شورش‌ها تأکید شده است که عبارت‌اند از: قبلاً از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد و قبل از به کارگیری سلاح با اخلالگران و شورشیان نسبت به، به کارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد. تبصره «۱» این ماده تشخیص ناآرامی را بر عهده رئیس شورای

تأمین قرار داده است. در این خصوص اسناد بین‌المللی مجوز به کارگیری سلاح را به نیروهای انتظامی داده است. هرچند نیروهای صلاحیت‌دار در به کارگیری سلاح باید هم موازین بین‌المللی و هم قوانین داخلی را رعایت کنند. از این رو، استفاده از زور و سلاح‌های گرم توسط مأمورین نیروی انتظامی در پراکنده نمودن تجمعات خشن، تنها زمانی است که به کارگیری سلاحی که خطر کمتری دارد عملی نبوده و به کارگیری سلاح ضرورت داشته است. در نظام حقوقی ایران و در ماده ۵ قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری، مأمورین نظامی و انتظامی برای اعاده نظم امنیت در راهپیمایی‌های غیرقانونی مسلحانه و ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه مجازند از سلاح استفاده نمایند. مأمورین مذکور موظف‌اند به دستور فرمانده عملیات و بدون تعلل نسبت به برقراری نظم و امنیت، خلع سلاح و جمع‌آوری مهمات و دستگیری افراد و معرفی آنان به مراجع قضایی اقدام نمایند.

۶-۲- لزوم تسلط مأموران به سلاح مورد استفاده

بر اساس ماده ۷ قانون به کارگیری سلاح، مأموران حتی‌المقدور باید پا را هدف قرار بدهند و مراقبت نمایند که اقدام آنان منجر به فوت نشود و به اشخاص ثالث که دخیل در ماجرا نمی‌باشند آسیب نرسد و حتی مراقبت از مجروحان بر عهده نیروی انتظامی قرار داده شده است. ماده ۹ این قانون، به موضوع تسلط مأموران به سلاح مورد استفاده‌شان پرداخته و تأکید دارد: «مأمورینی که آموزش^(۲۱) کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده است ندیده‌اند، باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند و در صورتی که مأموریتی به این قبیل افراد محول شود فرمانده مسئول



عواقب ناشی از آن خواهد بود؛ مشروط بر اینکه مأمور در حدود دستور فرمانده اقدام کرده باشد». علاوه بر این، ماده ۱۰ قانون مذکور به مجریان گوشزد کرده است که سلاح مأموران باید متناسب با موضوع مأموریت و وظیفه آنان باشد. مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۶ به مسئولیت مأموران در به کارگیری سلاح پرداخته است که بر اساس ماده ۱۲ مأمورانی که در چهارچوب این قانون عمل کنند، هیچ گونه مسئولیت جزایی یا مدنی نخواهند داشت. مسئولیت زمانی مطرح می شود که تکلیفی به عهده باشد، اصولاً واژه مسئولیت در حوزه نظام های هنجاری که ایجاد تکلیف می نماید، کاربرد دارد. بدین ترتیب در حوزه هریک از نظام های هنجاری غیررسمی از انواع مسئولیت از جمله مسئولیت اخلاقی، مسئولیت اجتماعی و قانونی سخت به میان می آید (سام نژاد، ۱۳۹۶: ۸۴). از این رو، ماده ۱۳ تصریح کرده است: «در صورتی که مأمورین با رعایت مقررات این قانون سلاح به کار گیرند و در نتیجه طبق آراء محاکم صالحه شخص یا اشخاص بی گناهی مقتول و یا مجروح شده یا خسارت مالی بر آنان وارد گردیده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده سازمان مربوط خواهد بود و دولت مکلف است همه ساله بودجه ای را به این منظور اختصاص داده و حسب مورد در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد». بنا به ماده ۱۶: «هرگاه مأمور برخلاف مقررات این قانون اقدام به، به کارگیری سلاح نماید،^(۲۲) حسب مورد به مجازات عمل ارتكابی وفق قوانین تحت پیگرد قرار می گیرد».

۳-۶- استفاده سلاح توسط نیروهای مرزبانی ناجا

رویکرد مقنن در موضوع حمل و به کارگیری سلاح در مأموریت های انتظامی، در تمامی شرایط و مناطق جغرافیایی یکنواخت و ثابت است، مشخص نبودن نحوه به کارگیری

سلاح توسط مأمورین مرزبانی در مناطق و شرایط جوی دریایی و همچنین نبود مواد قانونی شفاف در رابطه با تیراندازی در مناطق ممنوعه مرزی،^(۲۳) موجب ایجاد دوگانگی برای مأمورین مرزبانی در استفاده از سلاح شده است، بنابراین ضرورت دارد به منظور شفاف سازی استفاده از سلاح در شرایط جوی دریایی و همچنین مناطق ممنوعه مرزی، موادی در این مورد به قانون به کارگیری سلاح اضافه شود. به نظر می رسد قانون باید در برخی زمینه ها همچون استفاده از سلاح سرد برای اشرار و استفاده از سلاح برای مأموران، برخورد با اشرار و قاچاقچیان^(۲۴) و دیگر موارد نقض امنیت در جامعه سخت گیری بیشتری داشته باشد. پلیس در لحظه درگیری باید ۱۷ شرط^(۲۵) را بسنجد تا ببیند آیا از اسلحه استفاده کند یا نه. این شرایط باعث می شود که توان ریسک از پلیس گرفته شود و توان عملیاتی آن کاهش پیدا کند؛ چراکه مأمور در صورت استفاده از اسلحه وارد درگیری های قضایی خواهد شد. علاوه بر اینها در موارد بسیاری، مأموران زمانی که پس از رعایت قانون، از سلاح سازمانی خود استفاده کرده اند تا روزها و گاهی تا ماه ها درگیر پرونده های مختلف قضایی شده اند که این مورد اثر منفی فراوانی بر روحیه آنان می گذارد.

۴-۶- به کارگیری سلاح در زمان راهپیمایی ها

قانون گذار با توجه به مسلحانه یا غیرمسلحانه بودن ناآرامی ها، از حیث به کارگیری سلاح، اختیارات متفاوتی به مأموران داده است.

۱-۴-۶- راهپیمایی غیرمسلحانه

حق به کارگیری سلاح به دستور فرمانده عملیات در صورتی امکان پذیر است که قبلاً از وسایل دیگری استفاده شده و مؤثر نبوده و قبل از به کارگیری سلاح با اخلاص گران و شورشیان نسبت به استفاده از سلاح اتمام

حجت شده باشد. تشخیص این ناآرامی نیز بر عهده شورای تأمین استان است و ناآرامی باید به شکلی باشد که مهار آن بدون به کارگیری سلاح امکان پذیر نباشد. صدور دستور استفاده از سلاح از سوی فرمانده عملیات صورت گرفته باشد و تیراندازی قبل از صدور دستور به سوی آشوبگران غیرقانونی می باشد و قبلاً نیز از وسایل دیگر^(۲۶) مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد و در انتها نیز اتمام حجت به طور صریح و رسا با آنان انجام گیرد.

۲-۴-۶- راهپیمایی مسلحانه

راهپیمایی های غیرقانونی مسلحانه و ناآرامی ها و شورش مسلحانه به جهت اینکه آثار تخریبی عظیم تری را به دنبال دارد بیشتر مورد تأکید است و طبیعی است که با حساسیت بیشتری دنبال گردد. به گونه ای که از یک سو، درجه آسیب پذیری مأموران بالاتر بوده و ممکن است آنان در قالب دفاع مشروع^(۲۷) عمل نمایند و از سویی دیگر این شورش ها امنیت روانی جامعه را نیز مخدوش خواهند نمود. قانون گذار از این رو در تدوین ماده ۵ قانون به کارگیری سلاح، مسلح بودن آشوبگران را از مصادیق شرایط اضطراری دانسته و جهت سرعت عمل مأموران هرگونه تشریفات را حذف نموده است تا فرمانده عملیات بتواند در زمان کمتری غائله را ختم نماید؛ همچنین به کارگیری سلاح از همان ابتدا بدون در نظر گرفتن اتمام حجت با آشوبگران به عنوان یک تکلیف بر عهده مأموران گذاشته شده است.

۷- سرنوشت اصلاح قانون به کارگیری سلاح

اصلاح این قانون از سال ۱۳۸۶ در دستور کار کمیسیون حقوقی شورای امنیت کشور قرار گرفته بود که پس از مدتی متوقف شد. در سال ۱۳۹۳ بازنگری



قانون به کارگیری سلاح در دستور کار ستاد کل نیروهای مسلح قرار گرفت و در سال ۱۳۹۴ به صورت لایحه تقدیم دولت شد؛ دولت نیز لایحه را برای بررسی و اعلام نظر به شورای امنیت کشور ارجاع داد و پس از بررسی در کمیسیون های ذی ربط در هیئت وزیران تصویب و به

مجلس ارائه شد. در سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ مراحل بررسی لایحه در دولت و مجلس^(۲۸) طی شد. نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۶/۴/۱۱ برای بررسی نهایی و تصویب در نوبت صحن مجلس قرار گرفت که این لایحه تا پایان مجلس دهم در دستور کار قرار نگرفت و به صحن نیامد.

با تشکیل مجلس یازدهم و بر اساس آیین نامه داخلی مجلس، مجدداً مراحل بررسی لایحه در دولت و مجلس طی شد و در سال ۱۳۹۹ پس از تصویب در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی از ابتدای سال ۱۴۰۰ در نوبت رسیدگی و تصویب در صحن قرار گرفته است.

برآمد

اقدام به تیراندازی، توسط نیروهای مسلح در مواقع ضروری و در حین انجام وظیفه، از اقدامات جدانشدنی این قشر بوده که عدم وجود قانونی جامع در این زمینه، موجبات تعرض به حقوق شهروندان و بلا تکلیفی مأموران در مأموریت های محوله را فراهم می آورد. در خصوص استفاده از سلاح گرم نیز باید گفت که موارد مجاز تیراندازی بر اساس قانون جاری، انسجام درونی ندارد. به گونه ای که گاه در موارد ضروری قانون مجوز تیراندازی نمی دهد، اما در برخی از موارد مانند دستگیری بازداشتی و زندانی متواری و توقف خودرو حامل کالای قاچاق، مجوز تیراندازی داده است، از این رو بهتر است در قانون بازنگری شود و از آنجا که اعمال ضابطین دادگستری جزء اعمال ضروری اجتماعی است که همه افراد جامعه از نتایج حاصل از اقدامات ضابطین در برخورد با جرایم سود می برند، بنابراین اشکالی وجود نخواهد داشت که خسارات ناشی از اعمال آنها به عنوان بخشی از هزینه ها از بودجه عمومی دولت تأمین شود. در رابطه به مواردی که تجویز تیراندازی را ایجاب می کند، ولی مقررات جاری به آن نپرداخته است، می توان به تیراندازی به سوی گروگان گیر، بمب گذار انتحاری و فردی که به سوی شخصیت های مهم تیراندازی یا حمله می کند، اشاره کرد، هر چند این موارد را می توان در قالب بندهای دوازده گانه گنجاند، با توجه به تصریح موارد مجاز تیراندازی و اشاره مکرر به برخی از آنها، بهتر است موارد اخیر نیز به صراحت در قانون به کارگیری سلاح در موارد ضروری بیان شود. همچنین موضوع دیگری که به نظر می رسد محل ایراد باشد رعایت مراتب تیراندازی «در صورت امکان» است. هر چند ماده ۱۲ قانون به کارگیری سلاح مأموری را که با رعایت ضوابط و مقررات، اقدام به، به کارگیری سلاح تیراندازی نموده فاقد مسئولیت کیفری دانسته است؛ اما تشخیص این امر مهم بر عهده مقام قضایی ذی صلاح است. از سوی دیگر قاضی پرونده کیفری مأمور به کارگیرنده سلاح نیز مستنداً به گزارش کارشناسان ذی ربط، محتویات پرونده، اظهارات شهود شاکی و متهم و سایر ادله مثبت و قرائن و امارات موجود مبادرت به صدور رأی می نماید. حسب نظر مقنن در قانون به کارگیری سلاح، در فرآیند دادرسی، نظر کارشناسان بسیار حائز اهمیت است. قانون به کارگیری سلاح می بایست بازنگری شود و به کارگیری سلاح فقط در مواردی که عقل و منطق، ضرورت به کارگیری آن را تأیید می کند، تجویز شود تا هر پلیس معقول و متعارفی بتواند به سادگی ضرورت آن را احراز نماید و هر ساله مأموران پلیس یا سازمان پلیس مجبور نباشند که متحمل پرداخت مقادیر زیادی دیه و ضرر و زیان ناشی از به کارگیری سلاح شوند. ضمن اینکه جلوی اشتباهات فاحش پلیسی در این مورد گرفته می شود. البته سازمان پلیس هم موظف است مأموران پلیس را به سلاح های سبک تر و دارای قابلیت شلیک گلوله بی هوش کننده و یا پلاستیکی مجهز کند تا حسب مورد به اقتضای ضرورت از آنها استفاده شود و کمتر از سلاح های سبک جنگی استفاده شود تا بدین وسیله حداکثر احتیاط صورت گرفته و حقوق شهروندان از جمله حق حیات مورد تهدید قرار نگیرد.

پی نوشت ها

۴- چنانچه مأموران انتظامی در اجرای مقررات ماده ۶ به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ جهت متوقف ساختن خودرو با رعایت مقررات و ضوابط مربوطه تیراندازی کرده باشند، هیچ گونه مسئولیت کیفری و مدنی نخواهند داشت (نظریه مشورتی ۱۳۹۱/۹/۲۹-۷/۳۴/۴۵۵۷۱).

۵- جرم مشهود جرمی است که مرتکب در حین ارتکاب غافلگیر و دلایل اثبات جرم قابل جمع آوری باشد و یا اینکه بلافاصله یا در زمانی نزدیک به زمان ارتکاب جرم دستگیر شود.

۶- در برخی اسناد بین المللی از جمله ماده ۳۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی این شرط وجود دارد که دستور مافوق نباید آشکارا غیرقانونی باشد. در برخی از مواد قانونی دیگر شرایط شکلی خاصی برای دستور آمر پیش بینی نموده است.

۱- سلاح ها به اعتبار آتشین بودن یا غیر آتشین بودن به سلاح های گرم و سرد قابل تقسیم بندی است.

۲- شوکر، گلوله غیر کشنده، افشانه های غیر کشنده

۳- مأمورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند و ثانیاً در صورت امکان مراتب:

الف: تیر هوایی

ب: تیراندازی کمر به پایین

ج: تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.

از جمله، ماده ۵۷۴ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵، بر لزوم کتبی بودن دستور تأکید کرده است.

۷- تئوری آلتراگو

۸- دولت بلژیک در ماده ۳ قانون ۲۰ ژوئن ۱۹۴۷ راجع به صلاحیت محاکم نظامی در مورد جنایات جنگی مقرر داشت: امر فوق علت تبرئه کننده نبوده و ممکن است فقط کیفیت مخففه به شمار آید (فرج الهی، ۱۳۷۶: ۳۵).

۹- مواد ۵۷۴ و ۵۷۸ و ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی، ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار از اصل اطاعت مطلق تبعیت نموده است و صرفاً برای آمر مجازات تعیین نموده است.

۱۰- ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی ملاحظه می‌شود قانون‌گذار سخت‌گیری بیشتری برای تبرئه مأمور اعمال کرده است.

۱۱- تبصره ذیل ماده ۵ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۱۲- ماده ۷ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۱۳- ماده ۳ قانون ناجا

۱۴- از دیگر مأمورین مسلح غیرنظامی می‌توان به: مأمورین مسلح زندان‌ها که عضو نیروهای مسلح نمی‌باشند، نگهبانان مسلح گارد بنادر و گمرک، مأمورین مسلح شکاربان و محیط‌زیست، مأمورین جنگل بانی، مأمورین گارد صنعت نفت نام برد. ۱۵- منظور از به‌کارگیری در لغت به معنای به کار گرفتن، به کاری گماشتن و به کاری وادار کردن است.

۱۶- برابر ماده یک آیین‌نامه اجرایی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی، در جهت احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ بازداشتگاه به سه نوع: عمومی، انتظامی، تحت نظرگاه تقسیم می‌شود.

۱۷- تعریف زندان در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ آمده است

۱۸- نظریه مشورتی ۱۳۸۹/۸/۲۴-۷/۳۴/۴۰۶۰۰

۱۹- فرانسویان برای پلیس تعاریف زیادی دارند از نظر لغوی کلمه police فرانسوی از ریشه یونانی politia به معنای سازمان سیاسی و هنر حکومت کردن و نیز کلمه policia و polis به معنای شهر و جامعه است از دیدگاه نویسندگان تاریخ در پلیس فرانسه، این کلمه به سه معنی استعمال شده است: اول به معنای مجموعه مقررات شهری، دوم به معنای مراقبت و نظارت در اجرای مقررات شهری و سوم به معنای سازمان عمومی مأمور به اجرای مقررات مزبور (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۰)

۲۰- مطابق تبصره ۳ ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳، شلیک تیر هوایی، در صورت امکان الزامی است نه اینکه در همه موارد، تیراندازی هوایی الزامی می‌باشد.

۲۱- نظریه مشورتی ۱۳۹۱/۱۰/۳۰-۷/۳۴/۹۱/۵۰۷۲۹ نیز مؤید همین موضوع است ۲۲- اثبات رعایت مقررات مربوط به تیراندازی بر عهده متهم مأمور است.

۲۳- نظریه مشورتی ۱۳۹۲/۴/۲۳-۷/۳۴/۸۰۶۰۹ بر اساس استفتاء مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱ مقام معظم رهبری در این مورد مطرح گردیده است.

۲۴- جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به سامانه نشست‌های قضایی، به آدرس neshast.org تاریخ نشست ۱۳۹۵/۲/۲۰ برگزارکننده: استان یزد

۲۵- مقرر در قانون به‌کارگیری سلاح

۲۶- از قبیل گاز اشک‌آور، خودروهای آب‌پاش و رنگ‌پاش، سپر، باطوم

۲۷- بحث دفاع مشروع تحت عنوان قاعده اعتداء نیز بحث می‌شود.

۲۸- کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

فهرست منابع

۱- اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۵

۲- افراسیابی، علی، **اختیارات قانونی پلیس در کاربرد سلاح گرم (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و انگلستان)**، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹، بهار ۱۳۹۴

۳- آقایی جنت‌مکان، حسین، **محاکمه قدرت**، چاپ اول، تهران، انتشارات

گنج دانش، ۱۳۸۶

۴- انصاری، ولی‌الله، **حقوق تحقیقات جنایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰

۵- اوجاقلو شهابی، سامان، نادری عوج بغزی، جواد، طباطبائی فر، سید رضا، **آسیب‌شناسی قانون به‌کارگیری سلاح در تبیین موارد مجاز تیراندازی**، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۵، شماره ۱۱، تابستان ۱۴۰۱

۶- جمادی، ارسلان، المامیر، محمود، حیدری، مسعود، **چالش‌های فراوری مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی مأموران مسلح در حقوق کیفری ایران و مقایسه آن با حقوق کیفری انگلستان**، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۱۳۹۷

۷- خانلری المشیری، محمد، **جرایم مشهود و غیر مشهود در حقوق کیفری ایران**، انتشارات فکر سازان، ۱۳۹۱

۸- رجبی، ابراهیم، **مسائل قضایی به‌کارگیری سلاح توسط مأموران**، معاونت آموزش و تحقیقات قوه، انتشارات مجد، ۱۳۸۹

۹- رضوی، محمد، **کاربرد قانون سلاح (از منظر مقررات ملی و بین‌المللی)**، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین، ۱۳۹۲

۱۰- سام‌نژاد، امیر، **بایسته‌های حقوقی و قضایی ضابطین**، چاپ سوم، انتشارات اندیشه زرین، بهار ۱۳۹۶

۱۱- ظهراپیان، محمد، **نقش سلاح‌های غیر مرگبار در عملیات پلیس**، دفتر تحقیقات کاربردی معاونت آماد و پشتیبانی ناجا، شماره ۲۴۸، ۱۳۹۲

۱۲- فرج الهی، رضا، **بررسی امر آمر قانونی در حقوق ایران و فرانسه**، مجله دادرسی، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷۶

۱۳- کاتوزیان، ناصر، **الزام‌های خارج قرارداد**، نشر دانشگاه تهران، چاپ سوم، جلد دوم، ۱۳۸۲

۱۴- مصطفائی، مرتضی، اشرفی، علی، **تحلیل و ارزیابی مفهوم، مسئولیت کیفری در فقه و حقوق جزا**، انتشارات روناس، ۱۳۹۴

۱۵- مقیسه، حمیدرضا، **الزامات راهبرد تغییرات رفتاری و راهبرد استفاده از سلاح و تجهیزات غیر مرگبار و نیمه مرگبار در مأموریت‌های پلیسی (انتظامی)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین، ۱۳۹۲

۱۶- مودتی، علی، صفری کاگردی، عابدین، بیرانوند، مسعود، **مبانی توجیهی استفاده از سلاح غیر کشنده در تعقیب متهمان**، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷

۱۷- مؤمنی، مهدی، فلاح اسبوکلایی، ایوب، **مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲**، مجله کانون وکلا دادگستری مرکز، سال ۶۸، پاییز ۱۳۹۴

۱۸- میرمحمدصادقی، حسین، **جرایم علیه اشخاص (حقوق کیفری اختصاصی ۱)**، چاپ سوم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶

۱۹- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۲۰- قانون رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲

۲۱- قانون به‌کارگیری سلاح در مواقع ضروری مصوب ۱۳۷۳

۲۲- قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۵

۲۳- قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶

۲۴- قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷

۲۵- مقررات استخدای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۲

۲۶- آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰

۲۷- آیین‌نامه اجرایی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی در جهت احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵

۲۸- ماده ۳۸ آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۱۷

۲۹- اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵